

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۲ جون ۲۰۱۹

ریاکاری خامنه‌ای در نمایشگاه کتاب و سانسور شدید در ایران!

کمیت و کیفیت سرانه مطالعه در ایران، همواره موضوعی برای بحث، شوخی، تحلیل، پژوهش، تمسخر و... در میان بسیاری از ایرانیان بوده است. آمارهایی که تاکنون در این باره منتشر شده چنان متفاوت و دور از هم است که موضوع سرانه مطالعه را تشدید می‌کند.

آمارهای مطالعه روزانه در ایران از ۲ تا ۷۹ دقیقه متغیر است. به نظر می‌رسد که این اختلاف عجیب و غریب بیشتر از هر چیز نشان‌دهنده تقلای نهادها و برخی مسئولان برای ارائه تصویری بهتر از مطالعه در جامعه است. در حالی که سانسور بسیاری از نویسندگان و هنرمندان و مترجمان جامعه ایران را زمین‌گیر کرده است؛ در حالی که سال‌هاست خامنه‌ای به عنوان دشمن درجه یک آزادی بیان و اندیشه در جهان معرفی شده است؛ او روز دوشنبه نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، از سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید کرد و کتاب زنده‌یاد احمد شاملو در دست گرفت و ریاکارانه در مقابل دوربین‌های خبرنگاران پز داد.



احمد شاملو در ساعت ۹ یکشنبه شب دوم مرداد ۱۳۷۹ در خانه خود در دهکده فردیس درگذشت. پیکر او در روز پنجشنبه ۶ مرداد از مقابل بیمارستان ایرانمهر و با حضور ده‌ها هزار نفر از علاقه‌مندان وی تشییع و در امامزاده طاهر کرج در نزدیکی مزار گلشیری، محمد مختاری و پوینده به خاک سپرده شد. کانون نویسندگان ایران و بسیاری از کانون‌ها و انجمن‌های قلم جهان پیام‌های تسلیتی به مناسبت درگذشت وی در این مراسم ارسال کردند.

پس از مرگ احمد شاملو، مراسم‌های سال‌گرد و یادبودش بارها به دلایل تهاجم ماموران امنیتی و لباس شخصی حکومت اسلامی ایران، برگزار نشده است. همچنین سنگ مزار وی چندین بار، به‌دست افراد ناشناس مورد تخریب قرار گرفته است.

هر سال مامورین حکومت اسلامی، حتی مراسم بزرگداشت احمد شاملو توسط کانون نویسندگان ایران را می‌گیرند و بارها سنگ قبر شاملو را کنده‌اند. حکومتی که همواره علاوه بر اعمال سانسور شدید بر تولیدات فرهنگی نویسندگان و هنرمندان مستقل و مردمی، آن‌ها را به بیدادگاه‌های می‌کشاند و زندانی می‌کند.

از جمله در آوریل سال ۲۰۰۶، کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای ضمن آن‌که صدمه زدن به سنگ گور احمد شاملو را محکوم کرد، در عین حال به مردم ایران و خانواده و دوستان این شاعر فقید توصیه کرد که دیگر هیچ اقدامی برای بازسازی سنگ گور وی نکنند و بگذرانند در آرامگاه وی نیز «شعر انسان‌گرای احمد شاملو نقش خود را در افشا آلودگی‌ها ایفا کند.»

هر سال با فراخوان کانون نویسندگان ایران، جمعی از شاعران و نویسندگان ایرانی در امام‌زاده طاهر کرج به یاد «احمد شاملو» شاعر آزادی حاضر می‌شوند اما با تهاجم نیروی‌های امنیتی و لباس شخصی‌ها مواجه شده و اجباراً برنامه خود را نیمه تمام باقی می‌گذارند. همچنین در این مراسم‌ها، برخی مسئولان کانون نویسندگان و شرکت‌کنندگان دستگیر می‌گردند.

در آستانه روز جهانی کارگر امسال هم‌زمان با بازداشت چهره‌های سرشناس جنبش کارگری، دادگاه محاکمه سه عضو کانون نویسندگان ایران در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران آغاز شد. در نخستین جلسه دادگاه بکتاش آبتین، شاعر، فیلم‌ساز و از اعضای کانون نویسندگان محاکمه شد. سپس رضا خندان مهابادی و کیوان باژن، دو عضو دیگر کانون نویسندگان را به دادگاه کشاندند.

اتهامات عنوان شده در این جلسه دادگاه علیه بکتاش آبتین، «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده است.

بکتاش آبتین، رضا خندان (مهابادی) و کیوان باژن از اعضای کانون نویسندگان ایران، در تاریخ ۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ در پی یک احضاریه برای رسیدگی به پرونده‌شان به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران مراجعه کردند که با درخواست آن‌ها برای داشتن وکیل و نپذیرفتن اتهامات، دادگاه به تعویق افتاد. اما قاضی قرار کفالت آن‌ها که نفری ۱۰۰ میلیون تومان بود را به نفری یک میلیارد تومان افزایش داد و ناتوانی در تأمین آن، موجب بازداشت و انتقال آنها به زندان اوین شد.

ریاست دادگاه را قاضی مقیسه بر عهده داشت و این سه عضو کانون نویسندگان ایران با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» تفهیم اتهام شدند که هیچ کدام از آن‌ها را نپذیرفتند.

کانون نویسندگان ایران هم‌زمان با بازداشت این افراد، بیانیه‌ای صادر و بازداشت آن‌ها را محکوم کرد و با اشاره به اجازه افزایش قرار کفالت آن‌ها از سوی دادگاه چنین نوشت:

«فلسفه قرار تأمین این است که حضور متهم را در دادگاه تضمین کند و در مواردی که متهم در دادگاه حضور پیدا می‌کند هیچ توجیهی برای تشدید قرار وجود ندارد.»

کانون نویسندگان ایران، در بیانیه‌اش در اعتراض به افزایش قرار کفالت، به نقل از حقوقدانان نوشته است: «اولاً تشدید قرار معمولاً جزء اختیارات دادرست و قاضی شعبه ۲۸ «دادگاه» می‌بایست پرونده را با درخواست تشدید قرار به

«دادسرا» می‌فرستاد نه این‌که خود راسا قرار را تشدید کند. ثانیاً قاضی دادگاه مجاز نیست با درخواست برخورداری متهم از وکیل برای دفاع از خود مخالفت کند.»

کانون نویسندگان ایران، همچنین خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط اعضای بازداشت شده این کانون شده بود. دادگاه حق داشتن وکیل را از این سه عضو کانون نویسندگان ایران سلب کرد. رضا خندان (مهابادی) در پستی که در اینستاگرام خود بعد از آزادی منتشر کرد، اشاره کرد که به دلیل عدم ثبت وکالت‌نامه وکلایشان، ناصر زرافشان و راضیه زیدی، از دفاع خودداری کرده و از رییس دادگاه خواسته‌اند تا رسیدگی به پرونده را به روز دیگری موکول کند اما او با این خواسته آن‌ها مخالفت کرد.



بکتاش آبتین نیز در این باره می‌گوید که قاضی به آن‌ها گفته وکیل نیاز ندارند و خودشان می‌توانند دفاع کنند. اتهاماتی که بر اساس آن این پرونده علیه اعضای کانون نویسندگان شکل گرفته، به سال ۹۴ و بازرسی منزل بکتاش آبتین بر می‌گردد که در طی آن بسیاری از اسناد کانون نویسندگان ایران و وسایل شخصی وی مانند کامپیوتر و موبایلش توقیف شد.

در کیفرخواستی که در جریان دادگاه در تاریخ ۲ بهمن اعلام شد، اتهامات مطرح شده بر اساس کتابی است که دادگاه ادعا می‌کند توسط رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان بازن نوشته شده است. کتاب مورد اشاره درباره ۵۰ سال فعالیت کانون نویسندگان ایران است. بکتاش آبتین می‌گوید آن‌ها نویسنده این کتاب نیستند، بلکه افراد زیادی تلاش کرده‌اند تا تاریخ کانون نویسندگان ایران را ثبت و در نهایت منتشر کنند.

بکتاش آبتین به احتمال بازداشت مجدد یا برگزاری دادگاه مجدد اشاره می‌کند، زیرا آن‌ها در دادگاه اتهامات وارد شده را بدون حضور وکیل نپذیرفته‌اند.

گفته می‌شود برخی مصادیق این اتهامات در ارتباط با کتاب‌های کانون نویسندگان از جمله کتاب «پنجاه سال کانون نویسندگان ایران»، بیانیه‌های کانون نویسندگان و یادداشت‌ها و مطالب منتشر شده در صفحات شخصی وی بوده است.

در پایان جلسه دادگاه به آقای آبتین گفته شده که ظرف روزهای آینده حکم صادر و به ایشان ابلاغ خواهد شد.

گفتنی است در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۷، ماموران وزارت اطلاعات ۱۲۰ نسخه کتاب «پنجاه سال کانون نویسندگان ایران» (شامل ۳۰ دوره ۴ جلدی) که توسط هیئت تحریریه کمیسیون پنجاه سالگی کانون نویسندگان ایران به مناسبت پنجاه سالگی این نهاد غیردولتی منتشر شده بود را ضبط کرده و با خود برده بودند.

بکتاش آبتین، رضا خندان مهابادی و کیوان بازن در مردادماه سال گذشته از بابت همین پرونده در شعبه ۷ دادسرای اوین با عنوان «تبلیغ علیه نظام» و در تاریخ ۱۲ آبان ماه در پی احضار مجدد به این شعبه با عناوین دیگر «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» و «تشویق بانوان کشور به فساد و فحشا» تفهیم اتهام شدند.

در تاریخ ۲ بهمن‌ماه ۹۷، کیوان باژن، رضا خندان مهابادی و بکتاش آبتین برای رسیدگی به پرونده‌شان در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران حاضر شده و به دلیل افزایش قرار صادره از کفالت به وثیقه یک میلیارد تومانی و عدم توانایی در تامین آن بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بودند. طی این جلسه قاضی مقیسه با درخواست آن‌ها جهت حضور وکیل مورد نظرشان مخالفت کرده بود.

رضا خندان مهابادی در تاریخ ۶ بهمن‌ماه، بکتاش آبتین در تاریخ ۸ بهمن‌ماه و کیوان باژن در تاریخ ۱۰ بهمن‌ماه هر یک با تودیع قرار وثیقه یک میلیارد تومانی و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شدند. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴، پنج مامور وزارت اطلاعات با حکم شعبه ۱۲ بازپرسی دادرسی فرهنگی و رسانه به خانه بکتاش آبتین رفتند و ضمن تفتیش منزل او بیش از دو هزار قلم فیلم، عکس‌های خانوادگی، موبایل، لپ‌تاپ و اسناد کانون نویسندگان ایران را ضبط کردند و پس از آن ایشان طی بیش از ۱۷ جلسه در خصوص فعالیت‌های هنری، ادبی و سینمایی خود بازجویی شدند. دلیل احضار و بازجویی ایشان «انتشار نشریه غیرقانونی» و «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده بود.

یک هفته بعد از احضار بکتاش آبتین، رضا خندان (مهابادی) و کیوان باژن نیز به ترتیب احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. دلیل احضار و بازجویی ایشان، تبلیغ علیه نظام عنوان شده بود.

کانون نویسندگان ایران یک نهاد غیردولتی متشکل از نویسندگان، مترجمان، ویراستاران است، این کانون در سال ۱۳۴۷ رسماً با هدف تشکیل‌یابی نویسندگان و مبارزه با سانسور اعلام موجودیت کرد، کانون نویسندگان و اعضای آن از ابتدای تشکیل و به ویژه طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با درجات مختلف سرکوب، از سانسور و تعقیب قضایی گرفته تا قتل روبرو بوده‌اند. محمدجعفر پوینده و محمد مختاری از جمله اعضای سرشناس کانون نویسندگان بوده‌اند که در جریان قتل‌های زنجیره‌ای توسط وزارت اطلاعات به قتل رسیدند.

ناشران چندان رغبتی به شرکت در این دوره از نمایشگاه ندارند. طبق گزارشات ۶۰ درصد غرفه‌ها دست‌نخورده باقی مانده و انبوهی از زباله و نخاله در مصلی روی هم تلنبار شده است. برخی از کتاب‌های ناشران نیز نم کشیده است. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی در افتتاحیه نمایشگاه کتاب تهران شرکت نکرد. سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ساعت ۸ صبح سه‌شنبه ۳ اردیبهشت در مجموعه چهل‌سرا واقع در ضلع جنوبی مصلای خمینی افتتاح شد. به‌گفته محسن جوادی، رئیس نمایشگاه کتاب تهران در این دوره از نمایشگاه، ۲۴۰۰ ناشر داخلی و گروهی از ناشران خارجی حضور دارند. ابتدا قرار بود، حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی نیز در افتتاحیه نمایشگاه کتاب تهران شرکت کند اما روحانی به دلیل نامعلومی از شرکت در این مراسم صرف‌نظر کرد.

حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در افتتاحیه نمایشگاه کتاب سال ۱۳۹۳، این چنین ادعا کرده بود: «دولت در پی سانسور دولتی نیست.» اما به گفته خبرنگاران حوزه ادبیات و داستان‌نویسان، بسیاری از کتاب‌ها در سال‌های اخیر «به خصوص یک سال اخیر» یا مجوز انتشار نگرفته و یا پس از انتشار اجازه حضور در نمایشگاه را نیافته‌اند. طی چهل سال حکومت اسلامی، کتاب‌ها اول با خودسانسوری ذهنی نویسندگان نوشته می‌شوند و پس از آن از مسیر سانسور ناشران گذشته تا به دست ممیزی وزارت ارشاد می‌رسند. متأسفانه سیستم خودسانسوری نیز تبدیل به یک عادت در نوشتن و حتی خواندن کتاب از سوی خواننده، به‌خصوص در حوزه ترجمه شده است.

سخنان عباس صالحی، وزیر ارشاد اسلامی در افتتاحیه نمایشگاه کتاب تهران تحت تاثیر بحران اقتصادی و تحریم‌ها قرار داشت. صالحی اعلام کرد که نشر ممکن است در رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال نقش داشته باشد، بنابراین نباید آن را فراموش کرد.

ناشران مستقل ترجیح دادند غرفه‌ها را بدون تزئین و یا با دکور سال قبل راه بیندازند. در بخش شمالی مصلی و در بخش‌های باز نمایشگاه نیز آب باران به داخل چادرها نفوذ پیدا کرده و برخی از کتاب‌های ناشران نم کشیده است. بر اساس گزارشات منتشر شده، بخش عظیمی از زباله‌ها و نخاله‌های به جای مانده از غرفه‌سازی‌ها هم در مصلی روی هم تلنبار شده و چشم‌اندازی از مدیریت جهادی و تسلط بر سازمان‌دهی را به نمایش گذاشته است. نیروهای خدماتی لباس‌های متحدالشکل به تن دارند که از سایرین متمایز باشند. به‌گفته رییس اتحادیه صنعت چاپ خراسان رضوی فعالان این حوزه قصد دارند وضعیت بحرانی این صنعت را به اطلاع خامنه‌ای برسانند. او می‌گوید قرار است در نامه‌ای به خامنه‌ای به او خبر دهند که صنعت چاپ تا یک ماه دیگر تعطیل می‌شود.

هنگامی که بحث میزان مطالعه در کشور مطرح می‌گردد عموماً با استناد به آمارهای ضد و نقیض درباره سرانه مطالعه از بروز فاجعه فرهنگی در ایران سخن گفته می‌شود. تا کنون آمارهای مختلفی درباره میزان مطالعه ایرانیان منتشر شده است.

متأسفانه اکثریت مردم جامعه ما، رابطه خوبی با کتاب ندارند. عموم جامعه هجومی بی‌سابقه به‌سوی شبکه‌های اجتماعی دارند و ظاهراً مطالب نشر شده در این شبکه‌ها را جایگزینی برای کتاب می‌دانند؛ در حالی‌که شبکه‌های اجتماعی، صرفاً توهم دانایی را برای افراد ایجاد می‌کنند. افت مطالعه کتاب در ایران با شیب تندتری نسبت به دیگر کشورها در حال جریان است و حتی مردم کشورهایی که خود از بنیان‌گذاران شبکه‌های اجتماعی هستند، همچنان به مطالعه کتاب می‌پردازند و کتاب از سبب زندگی آنان حذف نشده است.

سؤال این است که چرا کتاب از سبب زندگی ایرانیان حذف شده است؟ حتی در کشورهای توسعه یافته که تمام وسایل ارتباط جمعی را تولید کرده‌اند هم کتاب چنین سرنوشت فاجعه‌باری پیدا نکرده که در ایران پیدا کرده است. اما چه عواملی سبب شده‌اند که به این‌جا رسیده‌ایم؟ هرچند که حکومت‌های مستبد عامل اصلی همه فجایع در جامعه به‌ویژه در عرصه آزادی بیان و اندیشه هستند با این وجود، در درجه اول روان‌شناسان کودک معتقدند سن آشنا کردن کودک با کتاب و جا انداختن رفتار کتابخوانی در او در اوایل کودکی است و نه حتی اوایل نوجوانی. بنابراین همه افرادی که کتابخوان‌های بزرگی در هر زمینه شدند یا خانواده‌شان مستقیم کتابخوان بوده و کتاب به دست‌شان داده‌اند یا توانسته‌اند این میل و رغبت را به نوعی به فرزندان خود منتقل کنند. بنابراین خیلی سخت است به فردی که عمری دور از کتاب و فضاهای فرهنگی زندگی کرده یاد داد که حالا به زور کتابخوان شود.

با در نظر گرفتن همه این متغیرها، فرض کنیم که میل و رغبت کتاب خواندن در وجود همه مردم ایران وجود دارد و دلیل اصلی کتاب نخواندن آن‌ها هم سختی دسترسی به کتاب در بسیاری از نقاط کشور و البته هزینه گزاف آن است. کمبود کتابخانه که طبق آمار کنفرانس بین‌المللی کتابداری و اطلاع‌رسانی در هر جامعه‌ای برای هر ۳ تا ۵ هزار نفر باید یک کتابخانه عمومی وجود داشته باشد و اگر ما حداقل استاندارد را در نظر بگیریم باید برای هر ۵۰۰۰ نفر یک کتابخانه وجود داشته باشد، یعنی در کشور ما باید حدود ۱۴۰۰۰ کتابخانه عمومی وجود داشته باشد، در حالی که طبق آمار ارائه شده حدود ۱۵۰۰ کتابخانه داریم و اگر کتابخانه‌های مدارس، حوزه‌های علمیه و مساجد و غیره را

هم در نظر بگیریم در مجموع حدود ۴۰۰۰ کتابخانه عمومی داریم و این بدین معناست که ۱۱۰۰۰ کتابخانه کم داریم. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ کتابخانه که باید داشته باشیم تنها ۲۰ کتابخانه داریم. در این صورت یک نوجوان یا جوان ۵ بار کمتر کتابخانه می بیند یا در وضعی که کتابخانه به عنوان یکی از گزینه های مهم برای پر کردن اوقات فراغت باید خودش را نشان بدهد پنج جایگاه خود را کم دارد.

حکومت اسلامی ایران، نه تنها بر اعمال سانسور شدید بر تولید و توزیع کتاب، روزنامه، نشریه، فیلم، سی دی و...، اعمال می کند، بلکه بودجه اختصاصی به عرصه فرهنگی نیز بسیار نازل است. البته این بودجه نیز به نهادهای فرهنگی - مذهبی اختصاص داده می شود.

بر اساس بودجه پیشنهادی دولت به مجلس برای سال ۹۸، تنها ۱۷۸ میلیارد تومان برای نهاد کتابخانه های عمومی با بیش از ۷۰۰ کارمند پیش بینی شد و طی رایزنی های مسئولین این نهاد با نمایندگان مجلس و مخصوصا کمیسیون فرهنگی در دی و بهمن ۹۷، اعلام شد که کتابخانه های عمومی در سال ۹۸ با چالش جدی مواجه خواهند بود که البته باید گفت که این موضوع از چالش گذشته و اکنون معضلی بسیار بزرگ است. بودجه ای که همان موقع پیش بینی می شد باعث تعطیلی بسیاری از کتابخانه ها شود؛ و امروز شاهد هستیم که از کاهش حقوق کتابداران شروع شده و به زودی به تعطیلی کتابخانه ها و تعدیل نیرو خواهد انجامید. اکنون بودجه فرهنگی کشور به زیر نیم درصد از بودجه کلی کشور می رسد و بسیار فاجعه بار است.

وضعیت بحرانی صنعت چاپ در ایران، از جمله افزایش سرسام آور هزینه ها در این حوزه، موضوع تازه ای نیست اما گرانی ۲۱ درصدی کاغذ ظرف ۴۸ ساعت و وعده رهبر حکومت اسلامی، علی خامنه ای، برای کمک به حل معضلات فعالان این صنعت، بار دیگر بحث درباره این موضوع را داغ کرده است.

علی مغانی، رئیس اتحادیه صنعت چاپ استان خراسان رضوی، سه شنبه دهم اردیبهشت - ۳۰ آوریل، و یک روز بعد از بازدید خامنه ای از نمایشگاه کتاب تهران به خبرگزاری ایسنا گفته در حال حاضر وضعیت مواد اولیه به صورتی است که صنعت چاپ دیگر نمی تواند به حیات خود ادامه دهد.

او در تشریح وضعیتی که صنعت چاپ را غیرقابل ادامه یافتن کرده گفت: «مربک از کیلویی ۲۰ هزار تومان به کیلویی ۸۰ هزار تومان، زینک از ۱۰ هزار تومان به ۵۰ هزار تومان، کاغذ از بندی ۷۰ هزار تومان به بندی ۴۵۰ هزار تومان، کاغذ گلاسه از کیلویی ۳۵۰۰ به ۲۷ هزار تومان و مقوا از ۳۵۰۰ به ۲۲ هزار تومان رسیده است.»

رئیس اتحادیه صنعت چاپ خراسان رضوی با انتقاد از بی توجهی مسئولان خاطرنشان کرد که دو ماه پیش در نامه ای به استاندار این استان که شعار حمایت از صنعت و کار آفرینی سر می دهد نسبت به تعطیلی صنعت چاپ و بیکاری ۲۵۰۰ کارگر هشدار داده شد اما هنوز واکنشی به این نامه نشان نداده اند. او افزود: «در این مملکت هیچ کس خود را مسئول این وضعیت نمی داند.»

دولت برای واردات کاغذ دلار را به قیمت رسمی ۴۲۰۰ تومان در اختیار واردکنندگان می گذارد. گفته می شود این کار هیچ تاثیری در وضعیت صنعت چاپ نداشته زیرا واردکنندگان یا کاغذ وارداتی را در انبار احتکار می کنند یا آن را در بازار آزاد می فروشند.

در جریان دیدار روز دوشنبه خامنه ای از نمایشگاه کتاب برخی ناشران در گفت و گو با او گفته اند که بهای کاغذی که با ارز دولتی وارد می شود بسیار بیش تر از قیمت ارز در بازار آزاد محاسبه می شود.

حسین میرباقری، رییس اتحادیه صنف فروشندگان کاغذ و مقوا، دوشنبه نهم اردیبهشت به خبرگزاری تسنیم گفت، قیمت هر بند کاغذ در بازار آزاد طی ۴۸ ساعت گذشته ۲۱ درصد افزایش یافته است.

یکی از پیشنهادهای رییس اتحادیه صنعت چاپ خراسان رضوی، که قبلاً نیز تکرار و به آن بی‌توجهی شده، این است که دولت به جای اختصاص ارز به تاجران برای وارد کردن کاغذ و دیگر مواد اولیه، آن را به تعاونی‌های مختلف این حوزه بدهد تا خود به طور مستقیم نیازهای خود را برآورده کنند.

کارگروه کاغذ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سه‌شنبه دهم اردیبهشت در واکنش به بحث‌های روزهای اخیر درباره کمبود و گرانی کاغذ در بیانیه‌ای اعلام کرد: «از ۲۶۲ هزار تن کاغذ وارداتی با ارز دولتی در سال ۹۷، تنها ۲۳ هزار تن زیر نظر وزارت ارشاد توزیع شده و جدول مابقی کاغذ به تفکیک واردکنندگان در اختیار سازمان تعزیرات قرار گرفته است.»

به این ترتیب کمتر از ۹ درصد از کاغذ وارداتی با ارز دولتی زیر نظر وزارت ارشاد توزیع شده است. کارگروه کاغذ که زیر نظر قائم مقام وزارت ارشاد فعالیت می‌کند به واردکنندگان کاغذ اعلام کرده، چنانچه مصرف‌کنندگان و میزان مصرف را به تایید معاونت‌های مربوط در این وزارتخانه یا این کارگروه برسانند مراتب به سازمان تعزیرات حکومتی اعلام می‌شود تا مشکلی برای آنان به وجود نیاید.

به گزارش ستاد خبری نمایشگاه کتاب، رضا رحمانی، وزیر صنعت، پس از دیدار با صالحی و به کسانی که با ارز ۴۲۰۰ تومانی کاغذ وارد انبار کرده و یا خارج از شبکه توزیع آن‌ها را پخش کرده‌اند، هشدار داد که «در آینده نزدیک» با آن‌ها برخورد قانونی خواهد شد.

گرانی کاغذ و دیگر مواد اولیه صنعت چاپ، ناشران و رسانه‌های چاپی را نیز با دشواری‌های جدی روبرو کرده و بسیاری از آن‌ها را در آستانه ورشکستگی قرار داده است.

امسال پس از پایان تعطیلات نوروزی بهای برخی روزنامه‌ها، از جمله شرق و اعتماد صددرصد افزایش یافت. علت این اقدام از جمله گرانی کاغذ و تدبیری برای «دوام آوردن» و جلوگیری از «مرگ رسانه» عنوان شده است.

پیش از این شمار دیگر از فعالان رسانه‌ای نیز از آینده «تیر و تار» نشریات چاپی در ایران به علت افزایش شدید قیمت‌ها سخن گفته و تاکید کرده‌اند که در سال ۹۸، ادامه فعالیت آن‌ها ممکن نخواهد بود.

مدیر مسئول یکی از روزنامه‌های چاپ تهران می‌گوید مطبوعات چاپی ایران آینده تیره و تاری دارند و اگر مشکلات آن‌ها شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدامی نشود از نفس خواهند افتاد.

حسین عبداللهی، مدیرمسئول روزنامه «آرمان امروز»، به خبرگزاری ایسنا گفت که در سال ۹۷ مشکلات اقتصادی گریبان روزنامه‌های مکتوب را گرفت و روزنامه‌ها در ماه‌های پایانی سال به اغما رفتند.

به گفته این فعال مطبوعاتی، مشکلات اقتصادی در سال گذشته سبب شد که روزنامه‌ها تعداد صفحات خود را کاهش دهند. عبداللهی افزود: «بی‌تفاوتی مسئولان نسبت به مسائل مطبوعات باعث شده مطبوعات در حالتی قرار بگیرند که امیدی به آینده آن‌ها وجود ندارد و برای مشکلات هم هیچ استراتژی وجود ندارند.»

مدیرمسئول روزنامه «آرمان امروز» می‌گوید روزنامه‌ها نمی‌توانند اقلام مصرفی مانند جوهر، زینک و کاغذ را به دلیل افزایش زیاد قیمت آن‌ها تهیه کنند و برای سرپا ماندن نیازمند کمک دولت هستند. به گفته او، وزارت ارشاد در عرصه مطبوعات مسئول است اما اقدام مؤثری انجام نداده و مسئولان رسانه ناراضی‌اند.

کمتر از دو هفته پیش، سه تن از مدیران مسئول روزنامه‌ها که هر سه نماینده مجلس نیز هستند در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، خواستار توجه او به وضعیت اقتصادی مطبوعات کشور شدند. این نامه را الیاس حضرتی، مصطفی کواکبیان و محمدعلی وکیلی که به ترتیب مدیران مسئول روزنامه‌های «اعتماد»، «مردم‌سالاری» و «ایتکار» هستند امضاء کرده بودند.

این سه مطبوعاتی و نماینده مجلس شورای اسلامی، در نامه خود به حسن روحانی نوشتند: «بار دیگر تاکید می‌کنیم نفس‌های به شماره افتاده نشریات مکتوب در سال ۹۷ می‌رود تا در تندباد کم‌توجهی‌ها و سوءمدیریت بخش‌های مسئول در دولت و سایر دستگاه‌های تصمیم‌گیر، قطع شود و بیمار در حال احتضار مطبوعات، برای همیشه رخت از کشور بریندد.»

این سه نماینده مجلس با تأکید بر «رشد ۳۰۰ درصدی اقلام اصلی انتشار مطبوعات نظیر کاغذ و زینک» نوشته‌اند: «می‌دانید تامین کاغذ داخلی کاملاً به خارج از کشور و قیمت ارز وابسته است. در ماه‌های گذشته با توجه به نامشخص و غیر شفاف بودن میزان تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کاغذ، نبود معیارهای مشخص برای انتخاب شرکت‌های واردکننده کاغذ با ارز دولتی و در پرتو بی‌توجهی کامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر امر توزیع آن، تقریباً مطبوعات نتوانستند از این ظرفیت بهره‌ای ببرند.»

در پایان نامه این سه مدیر مطبوعاتی آمده بود: «اگر فکر عاجلی به حال اقتصاد مطبوعات و انجام وظایف دستگاه‌های مسئول در قبال ملزومات انتشار مطبوعات نشود سال آینده باید مطبوعات مستقل را در موزه‌های این کشور به نظاره نشست و پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها احتمالاً جز چند روزنامه وابسته به نهادهای دولتی و عمومی و یکی دو روزنامه بخش خصوصی که توانسته‌اند ارزش افزوده کافی را ایجاد کنند، خالی از برندهای این حوزه خواهد شد.»

روزنامه فرهیختگان در گزارشی نوشت؛ کافی است سری به کتاب‌فروشی‌ها بزنید یا همین نمایشگاه کتابی که گذشت، دقیقاً متوجه می‌شوید چه قدر قیمت کتاب در مقایسه با چند سال پیش یا اصلاً همین چند ماه پیش متفاوت شده و بالا رفته است، حرف‌های زیادی زده می‌شود، کاغذ و زینک گران شده، هزینه چاپخانه‌ها بالا رفته پس ناشر متأثر از این اتفاق‌ها مجبور است قیمت کتاب را افزایش دهد. در این میان البته بعضی‌ها هم کارهای دیگری می‌کنند، چاپ‌های قدیمی‌شان را دست‌کاری می‌کنند و با برجسب زدن قیمت روی قیمت قبلی، کتاب را به فروش می‌رسانند. حرف‌مان در این گزارش زدن برجسب نیست، حرف‌مان این است که با آمار، تغییرات را بگوییم. مطمئناً تنها صحبتی که می‌تواند روی مخاطب تأثیر بگذارد تا تفاوت قیمت‌ها را تنها در دو سال متوجه شود، همین آمار است. آماري که دو ماه ابتدایی سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ را نشان می‌دهد. سال ۹۶، همان سال انتخابات ریاست‌جمهوری را داشتیم و مطمئناً نامزدهای انتخاباتی برای تبلیغات، احتیاج به کاغذ داشتند. قیمت کاغذ در آن زمان تقریباً بندی ۹۶ هزار تومان بود، ولی در ابتدای سال ۹۷ به بندی ۱۷۰ هزار تومان هم رسید، اما این پایان ماجرای قیمت کاغذ نبود، بلکه قیمت در انتهای سال ۹۷ با یک رشد صعودی به بندی ۴۵۰ هزار تومان هم رسید و در حال حاضر و با اطلاعاتی که در مرکز اطلاعات کاغذ آمده، قیمت هر بند کاغذ به ۴۷۰ هزار تومان رسیده است و البته قیمت کاغذ تا بندی ۵۰۰ هزار تومان هم رسیده بود! قیمت سال ۹۶ که بندی ۷۰ هزار تومان بود، قیمت کتاب را هم در ثبات نگه داشت ولی قیمت در سال‌های ۹۷ و ۹۸ رکورد زده است و آمار نشان می‌دهد چه قدر افزایش قیمت داشته است و این افزایش به ۹۰ درصد رشد قیمت کتاب هم رسیده است. در این گزارش مقایسه‌ای داشته‌ایم بین دو ماه ابتدایی سه سال متوالی از ۹۶ تا ۹۸، تا بدانیم درصد

تغییرات در این سال‌ها و در مقایسه با هم چه قدر بوده است. یک نکته در آمارهای سایت خانه کتاب این است که مقایسه این آمار در ماه‌های مختلف در برخی موارد با هم تناقض دارد.

با این حساب، اگر یک کتاب را در سال ۹۶ با قیمت ۱۰ هزار تومان فروخته می‌شد الان قیمتش پنج یا شش برابر شده است!

با نگاهی به قیمت کاغذ در سال‌های ۹۶ تا ۹۸ متوجه می‌شویم قیمت کاغذ از بندی ۷۰ هزار تومان در سال ۹۶ به بندی نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان در سال ۹۸ رسیده است. تغییراتی که مطمئناً با هیچ اصولی قابل هضم نیست که چرا باید آن قدر تغییرات صورت بگیرد و کسی هم این موضوع را گردن نگیرد و به جای کنترل نوسانات بازار کاغذ، به مسائل دیگر توجه شود!

محمدرضا دربندی که مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد است، علت گرانی‌های کاغذ را در چهار چیز عنوان کرده و گفته است: «علت اول آن را سیر نزولی تولید کاغذ در کل جهان می‌داند که مرتبط با مسائل محیط زیستی است و علت دوم آن داخلی است که محیط زیست اجازه قطع درختان برای تولید کاغذ را نمی‌دهد و علت سوم گرانی دلار است که طبعاً بر گرانی کاغذ تأثیر می‌گذارد و علت چهارم احتکار برخی از تجار داخلی است.» اما نکته‌ای که به صحبت‌ها در بندی وارد است، این موضوع است که اگر مسئولان کنترلی بر بازار کاغذ داشتند، می‌توانستند همان زمانی که در اوایل سال ۹۷، کاغذ از بندی ۷۰ هزار تومان به بندی ۱۵۰ هزار تومان رسید، کنترل بازار را به دست می‌گرفتند تا به قول خودشان محتکران و دلالان نتوانند قیمت کاغذ را چندین برابر کنند.

در فروردین ۱۳۹۶، تعداد ۲۹۹۳ عنوان کتاب منتشر شده است، تعداد کتاب‌های عمومی منتشر شده در این سال ۱۸۱۲ عنوان، تعداد کتاب‌های کودک ۸۷۹ عنوان، تعداد کتاب‌های کمک درسی ۳۰۲ عنوان، متوسط شمارگان کتاب ۱۵۸۷ عنوان بوده است و متوسط قیمت هم ۱۲ هزار ۷۱۹ تومان بود.

در فروردین ۹۷، ۳۴۴۴ عنوان کتاب منتشر شده است که از این میان، ۲۳۵۱ عنوان سهم کتاب‌های عمومی، ۶۶۹ عنوان سهم کتاب‌های کودک و نوجوان، ۴۲۴ عنوان سهم کتاب‌های کمک درسی، میانگین شمارگان ۱۴۴۷ و میانگین قیمت ۱۷۵۳۰ تومان بوده است.

در فروردین ۹۸، تعداد ۲۶۲۴ عنوان کتاب منتشر شده است، تعداد کتاب‌های عمومی ۱۶۴۴ عنوان، ۵۷۲ عنوان کتاب‌های کودک و نوجوان، ۴۰۸ عنوان کتاب‌های کمک درسی، میانگین شمارگان ۱۰۸۷ عنوان و متوسط قیمت ۲۳ هزار و ۷۱۱ تومان بوده است.

با مقایسه تعداد کتاب‌ها در فروردین‌ماه این سه سال، متوجه می‌شویم تعداد کتاب‌ها در فروردین ۹۷، بیش‌تر از دو سال ۹۶ و ۹۸ بوده است، اما آمار سال ۹۸ نگران‌کننده می‌شود و تعداد کتاب‌ها در کل به ۲۶۴۴ عنوان رسیده است و درصد تغییر آن به نسبت سال ۹۶ به منفی ۱۳ درصد رسیده است، میانگین شمارگان در دو سال ۹۷ و ۹۸ کاهش داشته اما این کاهش در سال ۹۸ چشم‌گیرتر است و تقریباً ۳۱ درصد میانگین شمارگان در سال ۹۸ به نسبت سال ۹۶ کاهش داشته است. اما مسئله بعدی قیمت است که مطمئناً مهم است و رشد زیادی داشته است. با مقایسه بین فروردین ۹۶ و فروردین ۹۸ متوجه می‌شویم تغییر قیمت ۸۷ درصد بوده است!

در اردیبهشت ۹۶ تعداد ۷۹۰۶ عنوان کتاب منتشر شده است، که سهم کتاب‌های عمومی ۵۷۵۷ عنوان، کتاب‌های کودک ۹۹۳ و کتاب‌های کمک درسی ۱۱۵۶ عنوان بوده است، متوسط شمارگان ۱۲۷۴ و قیمت متوسط کتاب ۱۷۱۹۹ تومان بوده است.

در اردیبهشت ۹۷، ۸ هزار و ۹۰۱ کتاب منتشر شده است، تعداد کتاب‌های عمومی ۶۳۷۷ عنوان، تعداد کتاب‌های کودک و نوجوان ۱۳۱۴، تعداد کتاب‌های کمک درسی ۱۲۱۰ عنوان، میانگین شمارگان ۱۳۲۳ و میانگین قیمت هر کتاب ۱۸ هزار ۴۱۵ تومان بوده است.

در اردیبهشت ۹۸، ۷۲۵۰ عنوان کتاب منتشر شده است که از این تعداد ۵۱۴۷ عنوان کتاب‌های عمومی، ۷۸۸ عنوان کتاب‌های کودک و نوجوان، ۱۳۱۵ عنوان کتاب‌های کمک‌درسی، میانگین شمارگان در این ماه ۱۱۷۵ و میانگین قیمت کتاب‌ها ۳۳۹۹۸ تومان بوده است.

اردیبهشت همیشه به‌خاطر نمایشگاه کتاب، ماه رونق و به‌قولی گل سرسید برای اهالی نشر است و تقریباً همیشه تعداد عناوین کتاب‌ها در این ماه به نسبت ماه‌های دیگر بیشتر است، اما مقایسه آمار در اردیبهشت این سه سال چیز دیگری می‌گوید، تعداد کل کتاب‌ها در سال ۹۸ به نسبت سال ۹۶، کاهش ۸ درصدی داشته است و از ۷۹۰۶ عنوان به ۷۲۵۰ عنوان رسیده است. تنها نکته در تعداد کتاب‌ها مربوط به کتاب‌های کمک‌درسی است که طی سه سال رشد ۱۴ درصدی داشته است و از ۱۱۵۶ به ۱۳۱۵ عنوان رسیده است! شمارگان هم باز کاهش ۸ درصدی دارد و از ۱۲۷۴ به ۱۱۷۵ رسیده است. اما بحث شیرین قیمت و مقایسه بین سال‌های ۹۶ تا ۹۸، افزایش ۹۸ درصدی قیمت را نشان می‌دهد که از ۱۷ هزار و ۱۹۹ تومان به ۳۳ هزار و ۹۹۴ تومان رسیده است!

موسسه نظرسنجی «گالوپ» گزارش سالانه‌اش در زمینه احساسات جهانی را منتشر کرده که حاوی تازمترین نتایج بررسی از تجربه‌های روزانه مثبت و منفی مردم در کشورهای گوناگون است.

«گزارش احساسات جهانی سال ۲۰۱۹» گالوپ بر اساس بیش از ۱۵۱ هزار مصاحبه با افراد بزرگسال در بیش از ۱۴۰ کشور تهیه و تنظیم شده است.

گالوپ که این گزارش را از سال ۲۰۰۵، به این‌سو هر سال منتشر کرده امسال هم شاخصه‌های احساسی در جامعه ایران را در سطوح نازل و نامطلوب ارزیابی کرده است.

گالوپ در این گزارش شاخص‌های تجربه مثبت و منفی در زمینه‌های غیرمتعارف زندگی چون احساسات و عواطف را بررسی کرده که مولفه‌های سنتی اقتصادی چون تولید ناخالص داخلی در آن نقشی ندارد. به‌گزارش گالوپ هر شاخص، تصویری در زمان واقعی از تجربیات روزانه مردم فراهم می‌آورد و بینش‌هایی به رهبران در زمینه تندرستی جوامع‌شان به دست می‌دهد که نمی‌توانند به آن‌ها صرفاً از طریق ارزیابی‌های اقتصادی دست یابند.

در گزارش گالوپ، ۴۵ درصد مصاحبه‌شوندگان در ارمنستان، ۴۴ درصد در عراق و ۴۳ درصد در ایران و اراضی فلسطینی با بیان این‌که روز گذشته خشم زیادی احساس کردند به‌ترتیب راس جدول خشمگین‌ترین جمعیت‌ها را تشکیل داده‌اند.

در گزارش سال‌های پیش گالوپ هم جمعیت ایران به‌عنوان یکی از خشمگین‌ترین جوامع شناسایی شده بود.

در تازمترین رتبه‌بندی آزادی رسانه‌ها در ۱۸۰ کشور جهان، نروژ به‌عنوان آزاد و امن‌ترین کشور برای رسانه‌ها در رده نخست قرار گرفت و ایران نیز با شش رده تنزل نسبت به سال قبل، به جایگاه ۱۷۰ سقوط کرد.

«شاخص آزادی رسانه‌ها در جهان» عنوان گزارشی است که سالانه توسط سازمان گزارشگران بدون مرز تهیه می‌شود. تازمترین جدول روز پنج‌شنبه ۲۹ فروردین منتشر شد.

رده نخست این جدول، برای سومین سال پیاپی، به نروژ اختصاص یافته، در رده دوم فنلاند قرار دارد و سوئد نیز مقام سوم را از آن خود کرده است.

ایران در رده‌های انتهایی این جدول قرار دارد و در بین ۱۱ کشوری‌ست که آزادی رسانه‌ها را سرکوب می‌کنند و کار برای خبرنگاران در آنها ناامن است.

گزارشگران بدون مرز، همچنین درباره وضعیت رسانه‌ها در ایران گفت: «حکومت اسلامی با کنترل دامن‌دار و گسترده رسانه‌ها دست از آزار خبرنگاران، شهروند-روزنامه‌نگاران و رسانه‌های مستقل برنداشته است.» در این گزارش با تأکید بر این که «ایران در ۴۰ سال گذشته یکی از سرکوبگرترین حکومت‌ها را برای خبرنگاران داشته» به گزارش قبلی این سازمان اشاره کرده که بهمن‌ماه گذشته زیر عنوان «۴۰ سال دروغ» منتشر شد. در آن گزارش، سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرده بود به سندی رسمی از دستگاه قضایی جمهوری اسلامی دست یافته که نشان می‌دهد دست‌کم ۸۶۰ خبرنگار و شهروند-خبرنگار در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ در کشور بازداشت، زندانی و حتی اعدام شده‌اند.

گزارشگران بدون مرز، به مناسبت ۱۲ مارس، روز جهانی مبارزه با سانسور اینترنت، کشورهای پیش‌تاز در سانسور اینترنت را معرفی کرد. از بحرین، چین، ایران، سوریه و ویتنام در راس این کشورها نام برده شده است. به گفته گزارشگران بدون مرز، حکومت‌های حاکم بر این پنج کشور، شدیداً بر کار شرکت‌های خدمات اینترنتی نظارت و در روند گردش آزاد اطلاعات مداخله می‌کنند. در این کشورها سانسور و کنترل اینترنت همواره گسترده‌تر می‌شود و ایده اولیه اینترنت عملاً به مخاطره افتاده است، ایده‌ای که خواهان شبکه ارتباطی آزادی برای تبادل اطلاعات و بیان دیدگاه‌های گوناگون میان شهروندان جهان فراتر از مرزهای ملی و جغرافیایی بود.

حکومت اسلامی ایران، سال‌هاست که اینترنت را زیر نظر دارد و آن را سانسور می‌کند. اوج این روند را می‌توان تلاش مقامات جمهوری اسلامی برای «اینترنت حلال» دید، یعنی شبکه‌ای که به‌طور کامل تحت کنترل مقامات ایران باشد.

حکومت اسلامی ایران، تلاش می‌کند ارتباطات مردم را با بقیه جهان قطع کند. در حال حاضر نیز نخستین نهادها نه از طریق اینترنت بلکه از طریق «اینترنت» یعنی اینترنت داخلی قابل دسترسی هستند.

به مناسبت سوم مه، روز آزادی مطبوعات در جهان، سازمان گزارشگران بدون مرز چند سال پیش پروژه‌ای را راه‌اندازی کرده بود تحت عنوان «سالی خوب برای سانسور»، که در حقیقت کمپینی است برای محکوم کردن آزادی رسانه‌ها در دوازده کشور جهان؛ کشورهایی که رهبران‌شان جلوی آزادی اطلاعات را می‌گیرند.

شرکت فرانسوی گرافیک و طراحی بی.ای.تی.سی (BATC) برای پنجمین سال به‌طور داوطلبانه کمپین گزارشگران بدون مرز در این باره را تهیه کرده است. پوسترهایی بزرگ در شهر پاریس که عکس ۱۲ رهبر «دشمن آزادی مطبوعات» روی آن‌ها حک شده است.

به نظر می‌رسد ابتدا مدل‌هایی عکس گرفته‌اند و بعد صورت ۱۲ رهبر روی عکس‌ها مونتاژ شده است. از جمله عکس آیت‌الله علی خامنه‌ای در حالی که استکانی به‌دست دارد، به‌عنوان یکی از دشمنان آزادی مطبوعات روی این پوسترها منتشر شده است.



در شرح عکس خامنه‌ای آمده، ایران در رتبه‌بندی گزارش امسال گزارشگران بدون مرز، در رتبه ۱۶۹ قرار دارد. ۳۲ روزنامه‌نگار در ایران زندانی هستند و ۶ نفر نیز بازداشت‌اند.

همچنین شرح داده شده که در ایران با روزنامه‌نگاران با روش‌های خلاف حقوق بشری مثل بازجویی و شکنجه برخورد می‌کند و به آن‌ها اتهاماتی چون جاسوسی می‌زند.

در فرهنگ و کتاب‌های مختلف، راجع به سانسور، تعریف‌ها و ویژگی‌های متنوعی بیان شده است که در این جا، برخی از آن‌ها ذکر می‌شود.

*فرهنگ آکادمی فرانسه سانسور را چنین تعریف کرده است:

سانسور به معنای بررسی کتاب‌ها، روزنامه‌ها، نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها، نامه‌ها و غیره به دستور حکومت یا فرد صاحب اقتدار، پیش از اجازه انتشار، نمایش یا توزیع آن‌هاست.

*فرهنگ معین، برای حکم سانسور این تعریف را داده است:

تفتیش و مراقبت در مطالب کتب، جراید، فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها به وسیله دولت و حذف مطالبی که ضد منافع دولت است. پیدایش سانسور با پیدایش قدرت و حاکمیت بر علیه سازمان‌ها و جوامع همراه بوده و به عناوین گوناگون اعمال شده است. سانسور هم «قدمت تاریخی» دارد و هم «گسترده‌گی جهانی». سانسور در طول تاریخ، همواره همچون شبجی، رفتار و گفتار انسان‌ها را کنترل کرده است.

اما ظهور و به کارگیری اصطلاح سانسور به حدود ۴۵۰ سال پیش از میلاد و به روم باستان بر می‌گردد که مانند جوامع یونانی قدیم، غایت یا ایده‌آل حکومت‌گری خوب، شامل شکل‌دهی به شخصیت یا صفات شخصی و منش فکری و رفتاری افراد نیز می‌شد.

انتشار آثار چاپی جدید، از آغاز آن در اواسط قرن پانزدهم، با بازرسی و ممیزی ماموران کلیساهای کاتولیک و پادشاهان مستبد اروپایی همراه بود، پیش از آن نیز مقامات مذهبی و غیر مذهبی اروپا مقررات محدود کننده شدیدی علیه تمام نوشته‌ها، تحمیل کرده بودند.

در حدود چهار دهه بعد از اختراع چاپ، به سبب شروع «تفتیش عقاید» - که در سال ۱۴۸۰ در زمان سلطنت «فردیناند» و «ایزابیلا» در اسپانیا، برای حبس و شکنجه افراد متهم به معتقدات مخالف مذهب حاکم ایجاد شد، محدودیت‌های مربوط به جلوگیری و ممیزی کتاب‌ها، تشدید گردید. این محدودیت‌ها در نیمه اول قرن بعد، تحت تاثیر فعالیت‌ها و مبارزات مذهبی، پروتستان‌ها علیه رهبری مذهبی مسیحیت کاتولیک، توسعه بیشتری پیدا کردند.

«هنری هشتم» پادشاه انگلستان، در سال ۱۵۳۴، برای اطمینان بیش‌تر نسبت به بازرسی ممیزی کتاب‌ها، طی فرمان کسب اجازه برای چاپ تمام کتاب‌ها و نشریات را ضروری شناخت. این اجازه‌ها، به میل و اراده شخص پادشاه صادر یا سلب می‌شد. ملکه «ماری»، پادشاه بعدی انگلستان، در سال ۱۵۵۷ با ایجاد ائتلاف و حسادت بین چاپخانه داران و جاسوسی آنان علیه یکدیگر، وضع نظارت بر چاپ را نامساعدتر کرد.

نخستین مقررات مربوط به سانسور مطبوعات در فرانسه، به موجب فرمان ۱۱ دسامبر ۱۵۴۷ «هنری دوم» پادشاه وقت این کشور، برای جلوگیری از گسترش عقاید پروتستان‌ها از طریق کتاب‌های مذهبی، که در آن زمان، دو سوم انتشارات چاپی را تشکیل می‌دادند، وضع شد. بر مبنای این مقررات محدودکننده، که در سال‌های ۱۵۵۳ تا ۱۵۶۰ و با فرمان‌های دیگر تشدید گردید، «برای انتشار کتاب‌ها و اعلامیه‌ها از سوی دشمنان آسایش عمومی و پادشاه...» مجازات به دار آویختن یا خفه کردن عاملان و متخلفان، در نظر گرفته شده بود.

در سال‌های ۱۵۷۰ و ۱۵۷۱، نظارت بر امور چاپ باز هم شدیدتر گردید، به‌طوری که در تاریخ اخیر، یک چاپخانه دار فرانسوی به‌نام «مارتن لوم»، به جرم فروش کتاب‌ها و نشریات افتراء‌آمیز، در یکی از میدان‌های محله دانشگاه کنونی پاریس، سوزانده شد.

در سال ۱۵۵۹، پاپ «پل چهارم»، رهبر مسیحیان کاتولیک، یک هیات ممیزی برای نظارت بر انتشار کتاب‌های چاپی و تهیه فهرستی از کتاب‌های ممنوع الانتشار، ایجاد کرد.

در نیمه دوم قرن شانزدهم و دهه‌های اول قرن هفدهم، روش‌های شدید کنترل و سانسور کتاب‌ها و مطبوعات در کشورهای اروپایی ادامه یافتند. تنها در هالند، در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم، تحت تاثیر تحولات سیاسی این کشور، شرایط مساعد برای چاپ و صدور کتاب‌ها و نشریه‌های دوره‌ای فراهم گردید.

سرانجام نخستین نشانه‌های آزادی مطبوعات، در انگلستان آشکار شد. در این کشور نیز مانند سایر کشورهای اروپایی، چنان که گفته شد، از همان آغاز، تمام نشریات چاپی تحت سانسور قرار داشتند و از مقررات خاصی که هیات سانسور انگلیسی - معروف به «مجمع ستاره‌ای» در مورد آن‌ها وضع کرده بود، تبعیت می‌کردند.

سانسور تا قرن ۱۸ در بسیاری از کشورها رواج داشت و حکومت‌ها تسلط کامل بر کتاب و مطبوعات داشتند. اما بعد از انقلاب کبیر فرانسه که باعث سرنگونی حکومت‌های مستبد و روی کار آمدن حکومت‌های سکولار گردید، تا حدی زمینه برای فعالیت فرهنگی و هنری فراهم گردید و از شدت سانسور نیز کاسته شد. اما هنوز هم سانسور در بسیاری از کشورهای غیراروپایی جهان اعمال می‌شود.

در ایران نیز مانند دیگر کشورهای اروپایی سانسور همراه با چاپ اولین کتاب‌ها و روزنامه‌ها صورت گرفت. اما آغازگر سانسور در ایران شخصی به‌نام «ادوارد برجیس» انگلیسی بود. برجیس مباشر روزنامه وقایع الاتفاقیه بود و وظیفه ممیزی را نیز بر عهده داشت.

اولین مقررات رسمی برای سانسور در مطبوعات ایران نیز در دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار وضع شد. در ربیع‌الثانی ۱۳۰۲ - ۱۸۸۴ میلادی به دستور ناصرالدین شاه، «اداره سانسور» با هدف نظارت مستقیم بر کتاب‌های فارسی چاپ داخل و منابع فارسی منتشر شده در خارج از کشور که به ایران ارسال می‌شد، زیر نظر وزارت انطباعات تاسیس شد.

فکر ایجاد اداره سانسور زمانی قوت گرفت که کتابی فارسی در بمبئی نزد شاه بردند و ناصرالدین شاه از مشاهده اهانت‌هایی که در آن نسبت به رجال، مقامات و علمای ایرانی شده بود، برآشت. بنا براین با رهنمودهای محمدباقر صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه) وزیر انطباعات و موافقت توأم با تاکید ناصرالدین شاه اداره سانسور با هدف زیر نظر گرفتن آثار مطبوعه به‌صورت اداره‌ای زیر مجموعه وزارت انطباعات تشکیل گردید.

ناصر الدین شاه، با ایجاد این مرکز امور انتشار روزنامه رسمی (دولت علیه ایران) و سایر نشریات و همچنین چاپ و نشر کتاب را، که به‌طور متمرکز جزو وظایف وزارت علوم بود، در این اداره متمرکز ساخت. به‌عنوان نمونه در این دوران اولین ضربه کاری را که در تاریخ بر مطبوعات ایران وارد شد، توقیف نشریه «میهن» که تنها یک روز از انتشار آن می‌گذشت توسط ناصر الدین شاه، در روز ۹ محرم سال ۱۲۹۳ در اولین و آخرین شماره‌اش به دلیل آن‌که منافعی خواست و دیدگاه شاه بود نسخه‌های آن جمع‌آوری شد.

اما در محرم سال ۱۲۸۸ هجری قمری، اداره مذکور منحل گردید و به جای آن اداره انطباعات ممالک محروسه به‌وجود آمد. در طول دوره ۱۰ ساله نفوذ و قدرت میرزا حسین خان سپهسالار و بر اثر مخالفت‌های او با دخالت‌های صنیع‌الدوله در امور مطبوعات، روزنامه‌های منتشر شده توسط سپهسالار زیر نظر اداره انطباعات قرار نداشتند. تا

این‌که در دوره پس از عزل سپهسالار در سال ۱۳۰۰ هجری قمری، با تاسیس (وزارت انطباعات) و (دارالترجمه دولتی)، زیر نظر مستقیم صنایع الدوله، تمامی امور چاپ و نشر مطبوعات و کتاب‌ها، تحت اختیار او قرار گرفت. با کاهش نفوذ سپهسالار در حکومت و افزایش حکومت و افزایش قدرت جناح ضد ملی حاکم و همچنین جهت سرکوب بیشتر، و ممانعت از هرگونه اظهار نظر و نگارش آزاد، نخستین قانون ممیزی ایران توسط شخصی به‌نام «کنت دو منت فرت» ایتالیایی در سال ۱۲۹۶ ه.ق و به دستور ناصرالدین شاه به‌نام «کتابچه قانون جزای ۱۲۹۶» به‌وجود آمد. بدین ترتیب آیین‌نامه جزایی کنت ایتالیایی، نخستین قانون رسمی ممیزی مطبوعات و بازرسی و سانسور قلم و بیان به‌شمار می‌آید که توسط حاکمیت اعلام و به‌مورد اجرا گذاشته شد.

این قانون که سعی در کنترل همه روزنامه‌ها داشت و قیچانه دستور سرکوب می‌دهد. این قانون خود ساخته، با نگاهی به موقعیت پلیس و وظایف مردم در قبال آن‌ها، در امور مطبوعات به خط و نشان کشیدن می‌پردازد و با نویسندگان آزادی‌خواه و عموم مردم اتمام حجت می‌کند. با اجرای قانون ممیزی فعالیت‌های روزنامه‌نگاری و ارتباط جمعی، راه تکامل اختناق ۱۶ سال آخر پادشاهی ناصرالدین شاه هموار شد.

این وضعیت تا انقلاب مشروطیت کم و بیش ادامه داشت و طی آن وزارت انطباعات نهایت سانسور، تفتیش و اختناق را در عرصه قلم و بیان علیه صاحبان وسائل ارتباط جمعی به‌کار می‌برد.

پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، قانون‌نویسان مشروطه که خود بعضاً از اصحاب مطبوعات بودند، اصل سیزدهم قانون اساسی را به مطبوعات و آزادی قلم و بیان اختصاص دادند. این اصل با تاکید بر اینکه «هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ‌کس مستور نماند» سانسور و ممیزی مطبوعات را رد کرد.

در نتیجه ماده سیزدهم قانون اساسی به‌عنوان سند آزادی روزنامه‌نگاران تلقی گردید. از این‌رو انقلاب مشروطیت، بهار مطبوعات را رقم زد و ده‌ها نشریه مثل قارچ از بستر این انقلاب رویدند. برخی از آن‌ها تنها يك شماره چاپ شدند، برخی در حد نام باقی ماندند و البته بسیاری نیز در تهران، رشت، مشهد، تبریز و اصفهان منتشر شدند. این نشریات عامل اصلی اطلاعات عمومی مردم از انقلاب مشروطیت و ابزار پیش‌برد انقلاب شدند.

علاوه بر این رشد آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی مردم که زمینه‌ساز انقلاب مشروطه گردید نیز تا حدودی نتیجه فعالیت روزنامه‌هایی است که در بیرون از مرزهای ایران منتشر می‌شدند و به‌صورت قاچاق و به دور از چشم ماموران «اداره انطباعات» به‌دست مردم می‌رسیدند. روزنامه‌هایی چون اختر، قانون، حبل المتین و ثریا که در ابتدا در استانبول، مصر، بمبئی و لندن چاپ می‌شدند و از روزنه‌های فراوان مرز ایران به داخل کشور می‌آمدند از جمله مطبوعاتی هستند که زمینه‌ساز بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماع و فرهنگی شدند.

پس از تدوین قانون اساسی و اختصاص اصل سیزدهم آن به موضوع آزادی قلم و بیان اولین قانون مطبوعات نیز که به «قانون انطباعات» مشهور شد، در ۶ فصل و ۵۲ ماده بر لزوم آزادی کامل مطبوعات تاکید کرد. (۵ محرم ۱۳۲۶ - ۱۸ اسفند ۱۲۸۶) با این همه عمر آزادی قلم در عرصه مشروطه کم دوام و کوتاه بود. به قدرت رسیدن محمدعلیشاه قاجار و به توپ بستن مجلس و سپس قتل روزنامه‌نگاران آغازگر مجدد روزهای سخت مطبوعات بود.

علاوه بر این نفوذ روس‌ها در شمال و نفوذ انگلیس‌ها در جنوب عامل دیگری بر اعمال فشار بر مطبوعات در شمال و جنوب کشور شد. قانون مطبوعات هم در کابینه علاءالسلطنه دچار تغییراتی شد و از آن پس عواملی چون هتک سلطنت، افشاء طرح‌های نظامی، اختلال آسایش عمومی، دستاویزهایی برای تعطیل شدن مطبوعات و یا اعمال سانسور بر آن‌ها گردیدند.

کابینه‌های دوران محمدعلی شاه به‌خاطر اعمال فشار بر مطبوعات و قلع و قمع نویسندگان به‌شدت مورد نفرت افکار عمومی قرار داشتند به همین دلیل بخش بزرگی از تلاش آن‌ها صرف یافتن راه‌های توجیه مقابله با آزادی قلم در جامعه شده بود. چند ماه پس از تصویب اولین قانون مطبوعات، واقعه‌ای رخ داد که محمدعلی شاه حداکثر استفاده از آن را برای موجه جلوه داده تصمیم خود در مبارزه با آزادی مطبوعات به کار بست.

انتشار يك مقاله ضد اسلامی در روزنامه‌ای به‌نام حبل‌المتین و سپس توقیف آن و محاکمه پر سر و صدای مدیر مسئول این روزنامه که در تابستان ۱۲۸۷ خورشیدی به وقوع پیوست رویدادی بود که محمدعلی شاه با بهره‌برداری‌های گسترده تبلیغاتی راجع به آن توانست علاقه خود به قلع و قمع مطبوعات مخالفت را در جامعه توجیه کند.

با به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی، مقررات سانسور به‌طور جدی‌تر از گذشته در ایران برقرار شد. مشهورترین عامل سانسور در عهد رضاشاه، فردی به‌نام «محرملی خان» بود. او تا سقوط رضاشاه در خدمت او بود ولی از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد که فضای مطبوعاتی کشور نسبتاً باز و آزاد شده بود، منزوی و بی‌کار شده. قتل میرزاده عشقی، مدیر روزنامه قرن بیستم از جمله نمونه‌های وحشتناک این دوران به حساب می‌آید. رضا خان پس از رسیدن به مقام سلطنت تمام روزنامه‌های مخالف را تعطیل و توقیف نمود و برخی از روزنامه‌نگاران مخالف مانند فرخی یزدی و دکتر تقی ارانی را در زندان از میان برد.

در این میان، قوام السلطنه که تاریخچه‌ای ۲۰ ساله در سرکوبی آزادی مطبوعات در زمان رضا خان داشت بیش‌تر خودنمایی می‌کرد.

قوام السلطنه به‌دنبال حوادث خونین ۱۷ آذر ۱۳۲۱، که با کشتار مردم تهران همراه و به توقیف دسته‌جمعی مطبوعات منجر شد، قانون جدیدی برای محدود کردن مطبوعات تهیه کرد و در سایه قدرت نظامی آن را به اجرا گذاشت. این قانون اصلاح قانون مطبوعات که در ۳ دی ماه ۱۳۲۱ هجری شمسی مصوب شد و در مقایسه با نخستین قانون مطبوعات ۱۳۲۶ هجری قمری، توقیف روزنامه‌ها از یک سال تا حداکثر ۳ سال افزایش داشت و رسیدگی به جرایم مطبوعاتی به دادگاه (جَنحه) واگذار گردید.

اما مدتی بعد و بر اثر گسترش مبارزات سیاسی و بهبود شرایط فعالیت‌های مطبوعاتی، روزنامه‌ها در برابر فشار هیأت حاکمه به پا خاستند و علیه علی‌سهیلی نخست وزیر سابق اعلام جرم کرده و او را به محاکمه کشاندند.

نهایتاً مجلس شورای ملی در نهم اسفند ۱۳۲۴ تحت فشار مدیران روزنامه‌ها، تصمیم به محکومیت علی‌سهیلی گرفتند و پرونده او را به دیوان محاسبات کشور ارجاع دادند. اما در نبرد مطبوعات و هیأت حاکمه سرانجام قدرت‌طلبان ماجرای سوءقصد به شاه در سال ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران را دست‌آویز توقیف و تعطیل روزنامه‌های مخالف حکومت قرار دادند. و اصلاحیه جدید قانون مطبوعات را در ۱۲ اسفند ۱۳۲۷ را مصوب کردند. به‌موجب مصوبه جدید اختیارات بیش‌تری برای توقیف مطبوعات به مقامات حکومتی داده شد اما رسیدگی به جرایم مطبوعاتی به‌جای دادگاه جنایی و حضور هیأت منصفه همچنان در صلاحیت دادگاه جنحه باقی ماند.

به‌موجب این اصلاحیه و بر اساس بند (الف) آن، تشخیص شهربانی در اهانت و هتک حرمت روزنامه‌ها کافی بود در حالی که در قوانین گذشته پس از مراجعه مدعی‌العموم یا مدعی خصوصی به‌ناظر شرعیات و تصدیق کتبی او مبنی بر مضر بودن اوراق چاپی و روزنامه‌ها نسبت به جمع‌آوری آن‌ها اقدام می‌شد. همچنین بر اساس بند (د) این قانون، اشخاصی که نشریه آن‌ها توقیف می‌شد تا زمانی که تکلیف آن‌ها مشخص نشده باشد نمی‌تواند روزنامه یا نشریه جدیدی انتشار دهد در صورت تخلف از ۵ هزار تا ۲۰ هزار ریال جریمه نقدی می‌شد.

بدین ترتیب بند (د) این قانون با اصول حقوق مغایرت پیدا کرد. چرا که تشخیص شهربانی که در این زمینه فاقد صلاحیت بودند نه تنها روزنامه منتشر نمی‌شد، بلکه حق انتشار روزنامه و نشریات دیگر نیز از ناشران آن‌ها سلب می‌شد. اما بر اثر مخالفت‌ها و اعتراضات شدید مدیران روزنامه‌ها و مطبوعات و هم‌زمان به اوج گرفتن مبارزات ملی شدن صنعت نفت، و به موجب قانون مربوط به الغای مطبوعات به استثنای قانون پنجم محرم ۱۳۲۶ هجری قمری، مقررات قوانین مطبوعاتی ۱۳۲۱ و ۱۳۲۷ هجری شمسی لغو گردید. در لایحه قانون مطبوعات جدید که در بهمن ۱۳۳۱ و با اختیارات خاص دکتر مصدق نخست وزیر وقت تدوین شده بود در چند مورد مقرراتی برای توقیف و با تعطیل شدن روزنامه‌ها پیش بینی شده بود. از جمله این‌که اگر روزنامه یا نشریات بدون اجازه وزارت کشور و همچنین عدم انتشار بعد از یک سال از دریافت مجوز و عدم درج نام و نام خوانادگی موسس و سردبیر و چاپخانه منتشر شود، روزنامه مذکور بدستور ماموران جمع آوری و ضبط می‌شد.

با وجود قوانین محدودکننده مختلف، در سال‌های بحرانی پس از شهریور ۱۳۲۰ دولت‌ها تصویب لوایح گوناگونی را به مجلس پیشنهاد کردند که منظور آن محدودتر شدن مطبوعات و سخت‌تر شدن فعالیت مطبوعاتی بود. در واقع پایان حاکمیت پهلوی اول، آغاز آرایش سیاسی جدیدی در مطبوعات بود؛ به‌طوری که نیروهای سرکوب شده دو دهه پیش به صحنه سیاسی آمدند تا از راه‌های ممکن منافع خود را حفظ کنند و در مقام نمایندگی قشرها و گروه‌های اجتماعی در توزیع قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی سهیم شوند. انتشار روزنامه و مجله از ابزار موثر در این حوزه بود و به همین دلیل افرادی با دیدگاه‌های متفاوت فعالیت سیاسی خود را از طریق مطبوعات آغاز کردند. یکی از ویژگی‌های مطبوعات این دوره گسترش کمی و تنوع فکری، سیاسی و اجتماعی افراد فعال در عرصه مطبوعات است. شمار روزنامه‌ها و مجلاتی که در این دوره منتشر می‌شد قابل مقایسه با گذشته نبود. مشخصه دیگر مطبوعات این دوره انتقادی‌تر شدن آن‌ها است. بر خلاف سال‌های حکومت رضاشاه که محتوای روزنامه‌ها و مجلات را اغلب اخبار رسمی و مورد تایید مقامات مسئول، آگهی و مطالب غیرسیاسی تشکیل می‌داد، فضای حاکم بر مطبوعات پس از شهریور ۱۳۲۰، فضای انتقاد و حتی مخالف بود.

گسترش نهادها و تشکلات مطبوعاتی را نیز باید نمود دیگری از رونق و پویایی مطبوعات ایران در دهه ۲۰ دانست. در این دوره دست‌اندرکاران مطبوعات کوشیده‌اند با ایجاد نهادها و تشکلات مختلف، از حقوق متناسب با رسالت و جایگاه خود دفاع کنند. تا آن‌جا که در برخی موارد واکنش مطبوعات به تلاش دولت برای توقیف، حذف و مهار روزنامه‌ها و نشریات به‌صورتی هماهنگ و در قالب تشکلات مطبوعاتی مختلف ملی و محلی درآمد. نخستین واکنش جدی به فعالیت و عملکرد مطبوعات، واکنش سفارتخانه‌های انگلستان و شوروی بود که در سال‌های آغازین دهه بیست با آلمان و متحدین در جنگ بودند. سفارت انگلستان توجه اولیای وزارت امور خارجه را به این موضوع متوجه می‌ساخت که بعضی از روزنامه‌های محلی مستقیماً اخبار بی‌سیم را دریافت نموده و بدون سانسور در روزنامه‌های خود درج می‌نمایند. سفارت شوروی هم از محتوای برخی مطبوعات ناراضی بود. مثلاً کاریکاتور روزنامه‌ای را اهانت نسبت به استالین می‌دانست.

سفارتخانه‌های انگلستان و شوروی، همواره به بهانه این که مطبوعات ایران اسرار جنگی را فاش می‌کنند و مطالب ناروا و توهین‌آمیزی علیه آن‌ها به چاپ می‌رسانند، نسبت به عملکرد و محتوای مطبوعات معترض و خواهان اعمال نظارت و سانسور جدی بودند. گذشته از سفارتخانه‌ها، دربار و اعضای خاندان سلطنت هم از مطالب برخی روزنامه‌ها و نشریات بسیار ناراضی و خشمگین بودند. محتوای اسناد موجود، مستقیم و یا غیرمستقیم، به اعتراض دربار علیه مطالب مطبوعات و شکایت از مسئولان برخی روزنامه‌ها و نشریات مربوط می‌شود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سیاست سانسور و تحدید مطبوعات با شدت و جدیت بیشتری دنبال شد و فضای سنگین و نفس‌گیری که محصول حکومت کودتا بود ادامه حیات را روز به‌روز برای مطبوعات دشوارتر کرد و سرانجام با اجرا شدن قانون مطبوعات سال ۱۳۳۴، به یک دوره نسبتاً پر نشیب و فراز تاریخ مطبوعات ایران نقطه پایان گذاشت.

در لایحه قانونی مطبوعات مصوب کمیسیون مشترک مجلس در مرداد ماه ۱۳۳۴، که در شرایط ارباب و اختناق بعد از کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تدوین گردیده بود برای نخستین بار در قوانین مطبوعاتی ایران، لغو اختیار اجازه انتشار روزنامه و مجله به وزارت کشور و همچنین کمیسیون مطبوعات داده شد. همچنین لایحه مطبوعاتی ۱۳۳۴ به فرماندای محل اختیار تعطیلی روزنامه یا مجله داده شد.

لازم به یادآوری است دولت‌های پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای محدود کردن مطبوعات عملاً به مقررات لایحه قانونی ۱۳۳۴ توجهی نداشتند و به تصمیمات و اقدامات خودسرانه خویش برای تسلط هر چه بیشتر بر مطبوعات ادامه دادند. مثلاً به موجب تصویب نامه‌ای که در ۲۵ اسفند ۱۳۴۱ در دوره نخست وزیری اسدالله علم و وزارت کشور جهانگیر تفضلی وضع شد بر خلاف اصل ۲۰ متمم قانون اساسی، به‌منظور توقیف و تعطیلی روزنامه‌ها حد نصاب تیراژ در نظر گرفته شد. به‌موجب این تصویب نامه مجلات و روزنامه‌هایی که در تهران منتشر می‌شد نباید از سه هزار برای روزنامه و پنج هزار برای مجلات کمتر می‌شد. هر چند در عمل کمیسیون پیش‌بینی شده در تصویب نامه مذکور، هیچ‌گاه تشکیل نشد و دوازده سال بعد یعنی در اواخر مرداد ۱۳۵۳ که به‌طور ناگهانی و تنها با تلفن مقامات وزارت اطلاعات، ده‌ها روزنامه و مجله توقیف و تعطیل شد، غلامرضا کیا پور، وزیر اطلاعات وقت، برای توجیه این اقدام خود، به همین تصویب نامه استناد و مطبوعات تعطیل شده را کم تیراژ معرفی کرد.

در دوران پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، صرف‌نظر از نخستین ماه‌ها، که به‌سبب فضای مطلوب (بهار آزادی) محدودیت چندان برای انتشار مطبوعات وجود نداشت، از اواسط تابستان ۱۳۵۸، به موجب لایحه قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸، موارد مختلفی از توقیف و تعطیلی نشریات دوره‌ای، پیش‌بینی گردید. هر چند در ایران قانون اساسی سانسور مطبوعات را صریحاً ممنوع دانسته است و سانسور فقط برای مواقع خاص پیش‌بینی شده است. اما عملاً این اتفاق بعد از پیروزی انقلاب اتفاق نیافتاده است و سانسور این بار با جدیت بیشتر و از طریق مختلفی انجام می‌شود.

سانسور قدرت سرکوب‌کننده خود را به شیوه‌های متعدد، اعمال می‌کند:

- سانسور قبلی، که بر اساس آن، تأیید مامور سانسور پیش از بازتولید و توزیع مطلب یا سند مورد نظر، ضروری است.

- سانسور بعد از انتشار و پیش از توزیع، که به موجب آن، محتوای یک روزنامه یا یک کتاب، قبل از توزیع آن باید تأیید شود.

- سانسور بعد از توزیع، که بر مبنای آن، نسخه‌های توزیع شده، جمع‌آوری و ضبط می‌گردد.

- دستورالعمل‌های حکومت در باره شیوه ارائه برخی اخبار و برخی مطالب.

- تهیه فهرست متن‌ها یا موضوع‌های ممنوع شده.

- بازرسی پیام‌های ارسالی به وسیله نمایندگان خبری خارجی، پیش از مخابره و انتقال آن‌ها.

- ممنوعیت، توقیف و یا نابود کردن نشریات، فیلم‌ها یا مواد وارداتی دیگر.

- تعطیل، ممنوعیت یا توقیف تأسیسات و تجهیزات مطبوعات یا رادیو و تلویزیون.

- تحریم آثار برخی مولفان و مصنفان یا ممنوعیت بعضی از دست نویس ها.

- تدوین فهرست آثار ممنوع شده.

- اخراج افراد از سازمان های حرفه ای نویسندگان و روزنامه نگاران و محروم کردن آنان از امکان انتشار آثار و گزارش ها.

بی گمان وجود چنین تصمیم ها و اقدام هایی، معمولاً باعث خودسانسوری روزنامه نگاران و نویسندگان و هیات تحریریه، می شود.

انواع سانسور:

بمطور کلی، سانسور را به دو دسته اصلی میتوان تقسیم کرد:

- سانسور قانونی؛

- سانسور غیر قانونی.

در سانسور قانونی، اعمال سانسور به اجازه قانون انجام می گیرد و گاه کاملاً صریح و علنی و گاه نیمه صریح و نیمه علنی یا پنهانی است. در سانسور قانونی، معمولاً دستگاه ها یا نهادهای دولتی عمل سانسور را انجام می دهند.

سانسور غیرقانونی، اغلب با تهدید و حتی گاهی ترور نیز همراه است. این نوع سانسور در حکومت اسلامی ایران، هیچ حد و مرزی ندارد.

چند سال پیش در برخی از سایت های اینترنتی اعلام شد که سرانه مطالعه در ایران ۲ دقیقه در سال است. در همان زمان دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی اعلام کرد که آمار مطالعه در ایران ۷۹ دقیقه در روز است! این مقام مسئول همچنین اعلام کرد که در این میزان، سرانه مطالعه کتب درسی، کتب ادعیه، قرآن، صفحات مجازی و هر چیزی که به خواندن ربط داشته باشد، لحاظ شده است. اما این آمار خوش بینانه اعتراض بسیاری از رسانه ها و چهره های فرهنگی را به دنبال داشت. این اعتراض ها سرانجام چند دقیقه ای از آمار نهاد کتابخانه های عمومی را کم کرد و بالاخره اعلام شد آمار سرانه مطالعه ایران ۷۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه محاسبه شده که ۱۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه به کتاب، ۲۱ دقیقه و ۳۱ ثانیه برای قرآن و ادعیه، ۳۲ دقیقه و ۳۶ ثانیه روزنامه و پنج دقیقه و ۴۲ ثانیه به نشریه خوانی اختصاص پیدا کرده است. این آمارها هر دو فضای مجازی و فیزیکی را شامل می شد.

عام ترین تعریف از سرانه مطالعه میانگین مدت زمان مطالعه یک نفر در یک شبانه روز است. در این حالت میزان مطالعه همه افراد یک جامعه را با هم جمع و سپس نتیجه را بر تعداد افراد آن جامعه و تعداد روزهای در نظر گرفته شده تقسیم می کنند.

در بسیاری از کشورهای جهان منظور از مطالعه، صرف مطالعه کتاب است. از این نظر مطالعه روزنامه ها، سایت ها، ادعیه و... مورد نظر نیست. اما برخی دیگر از کشورها مطالعه روزنامه ها و سایت های خبری - تحلیلی را نیز در آمارهای خود لحاظ می کنند. اما به هر حال براساس تحقیقات به عمل آمده و با تکیه بر هر دو تعریف از مطالعه، کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه، کمترین سرانه را به خود اختصاص می دهند. در این کشورها بیش تر افراد مطالعه نمی کنند و استفاده و ترویج محصولات فرهنگی نهادینه نشده است.

در بیش تر کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود حکومت های مستبد و سانسورچی و در نظر گرفتن دستمزد بسیار پایین برای کارهای فرهنگی، نویسندگان و ناشران تمایلی به تولید کتاب ندارند. نویسندگانی که شاید کتاب هایشان در کشورهای دیگر با استقبال روبه رو می شود اما در کشور خودشان ماه ها و سال ها در کتاب فروشی ها می ماند هیچ

انگیزه‌ای برای نوشتن کتاب بعدی ندارند یا ناشرانی که با وجود هزینه بسیار در انتشار کتاب سود چندانی نصیب‌شان نمی‌شود. به هر حال درباره میزان مطالعه در ایران، هرچند آمارهای ضد و نقیضی از سرانه مطالعه به گوش می‌رسد، اما واقعیت این است که وضعیت مطالعه با توجه به تیراژ کتاب‌ها و... شدیداً بحرانی است. با این‌که افراد با سواد در کشور رشد چشمگیری دارد، اما همه افراد جامعه مطالعه نمی‌کنند و سطح آگاهی‌های افراد فاصله عمیقی با یکدیگر دارد.

بنابراین مطالعه فقط در بین شمار اندکی از ایرانیان جریان دارد و حتی بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان نیز جز کتاب درسی، مطالعه دیگری ندارند. متأسفانه نظام آموزشی نیز دانش‌آموزان را به مطالعه تشویق نمی‌کند و از سوی دیگر محصولات فرهنگی و کتاب جزو کالاهای لوکس به‌شمار رفته و در سبد خانوارها قرار ندارد. در این وضعیت کودک و نوجوان فقط برای رفع تکلیف و آن هم از روی اجبار تکالیف درسی را انجام می‌دهد.

از آن‌جا که مطالعه در دوران کودکی یکی از عناصر اصلی و تاثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت کودک است؛ آشنا کردن کودکان با کتاب و کتابخوانی تاثیر به‌سزایی در رشد و تکامل هرچه پیش‌تر کودکان در تمامی ابعاد شخصیت می‌شود، بنابراین توجه به این مهم موجب تربیت افرادی سالم و در نهایت شکل‌گیری جامعه سالم خواهد شد.

بنابراین پایین بودن سرانه مطالعه، یک فاجعه بزرگ برای کشوری است که آمار بی‌سوادی در آن به کمترین عدد رسیده است.

کتاب وسیله‌ای است که دانش بشری به یاری آن از تباه شدن مصون می‌ماند و به آیندگان منتقل می‌شود در حالی که بر عکس سانسور، راه را بر رشد و گسترش انواع و اقسام مفاسد باز می‌کند. بنابراین، حکومت اسلامی ایران در این ۴۰ سال حاکمیت نکبت‌بار خود، علاوه بر کشتارها، ترورها و اعدام‌هایش، کلیه زیرساخت جامعه ایران را، از عرصه اقتصادی گرفته تا فرهنگی تباه کرده است! حکومتی که به لحاظ ایدئولوژیکی و تفکری به دوران بربریت بشر تعلق دارد اما با مدرن‌ترین ابزارهای امنیتی - پلیسی یک جامعه بیش از ۸۲ میلیون نفری را به گروگان گرفته و این کشور پهناور را به یک زندان بزرگ و کابوسی برای اکثریت شهروندانش تبدیل کرده است.

پنج‌شنبه سی‌ام خرداد [جوزا] ۱۳۹۸ - بیستم جون ۲۰۱۹